

فصلنامه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۲A۸ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان، الزامی غیر قابل انکار

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

سیدصابر بهمنی فخر

مشاور حقوقی و وکیل دادگستری

چکیده

در این مقاله دیدگاه حقوق ایران در خصوص اصلاح و بازپروری مجرمان شامل قواعد و متونی است که از قانون سرچشمه گرفته است و شریعت و فقه اسلام، عرف، رویه قضایی و دکتترین، دیگر منابع این حقوق هستند. بررسی تفکرات ماهیتی، مبنایی و راهبردی قانونگذاران و تصمیم گیرندگان سیاست جنایی، در حوزه اصلاح و بازپروری مجرمین مساله مهمی است، که میتواند در قالب مطالعه عمقی، اشتراک و اختلاف سیستم های حقوقی را معین نماید. مطالعه آراء اندیشمندان درباره اصلاح و بازپروری مجرمان و روش های تحقق آن، بیانگر اختلاف در ماهیت و مبانی و تکرر راهبردها و روش های آن است. همچنین روش های متنوع و متعدد علمی در زمینه اصلاح و درمان غیر کیفری اختلالات رفتاری الکلیسم و انحرافات جنسی وجود دارد و با مطالعه دقیق این روش های درمانی و بارعایت ضوابط قانونی و شرعی میتوان به بخش اصلاح و درمان غیر کیفری ایران کمک نمود. لذا بر آن شدیم بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان را در قالب یک پژوهش مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: مجرم، آزادی مشروط، کیفر و مجازات، حبس، بازپروری مجرمان

بخش اول: کلیات

از گذشته تا امروز، به موازات اعمال مجازات بر بزهکاران، نگرش‌های متعددی در زمینه‌ی کارکردهای کیفر مطرح شده است. این نگرش‌ها به طور کلی با «رویکردی گذشته‌گرا» یا «آینده‌گرا» به پاسخ‌دهی به مجرمان می‌نگرند. در پرتو این نگرش‌ها، کارکرد کیفر را می‌توان به دو گونه تکلیف‌گرا (سزاده) و فایده‌گرا (پیشگیرانه) دسته‌بندی کرد. کارکرد تکلیف‌گرای مجازات با «گذشته‌نگری» تنها به دنبال سرزنش بزهکار (مقصر) و کارکرد فایده‌گرای کیفر، با «آینده‌نگری» درصدد پیشگیری از بزهکاری نخستین مجرمان احتمالی و پیشگیری از بزهکاری دوباره‌ی مجرمان واقعی است. (داف، ۲۰۰۱، ۵۶-۴۴) مسبق به گزاره‌ی اخیر الذکر، از جمله کارکردهای فایده‌گرا یا سودمند مجازات‌ها که از حدود شصت سال اخیر به طور جدی مورد توجه قرار گرفت و به عنوان یک دغدغه انسانی در مقررات داخلی و برخی اسناد بین‌المللی منعکس شد، رفتار اصلاحی با بزهکاران است. این کارکرد، در منابع مختلف مورد توجه قرار گرفته و در قالب اصطلاحات مختلفی همچون اصلاح و درمان، بازپروری، بازسازی‌گاری، بازپذیری اجتماعی مجرم و ... مطرح شده است. برخی بازپروری را عمل تربیت و اصلاح بزهکاران (به ویژه معتادان) و آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه (انوری ۱۳۸۶، ۷۵۶). تعریف کرده‌اند. فرهنگ لغت فرانسوی لاروس، اصلاح و بازاجتماعی کردن را چنین تعریف می‌نماید: «اقدام به گونه‌ای که فرد بزهکار، معتاد یا معلول بتواند خود را دوباره با زندگی اجتماعی منطبق سازد؛» «قبول و به رسمیت شناختن ارزش‌ها و سودمندی چیزی پس از دوره‌ی فراموشی؛» «پایان دادن به سوءظن‌ها، انتقادات و بی‌اعتنایی نسبت به یک فرد همراه با اعلام رسمی اینکه وی باز هم شایسته‌ی اعتماد است». حال باید دید این تعاریف لغوی تا چه اندازه از معنای اصطلاحی آن فاصله دارد.

بازپروری در اصطلاح، به معنای بهسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی توأم با حسن رفتار است. در ارتباط با معنای اصطلاحی بازپروری دو رویکرد اجتماعی و اخلاقی وجود دارد. رویکرد اجتماعی که از یافته‌های جرم‌شناسی تأثیر پذیرفته است و معیارهای مشخص و قابل سنجشی برای ارزیابی اصلاح فرد ارائه می‌دهد، اصلاح یا بازپروری را چنین تعریف می‌کند: استحکام روابط اجتماعی و فردی بزهکار، به گونه‌ای که به وی اجازه دهد به طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده نماید. انجمن خدمات بازسازی اجتماعی کبک (کانادا) نیز بر اساس همین رویکرد، آن را چنین تعریف کرده است: عدم تکرار جرم یا اقدام به گونه‌ای که فرد پس از آن بتواند سازگار با قانون و هنجارهای اجتماعی زندگی کند یا تقویت حس تعلق به جامعه. برنار بولک از کسانی است که تعریف جامع‌تری از این نگرش به مجازات ارائه داده است. وی با تأکید بر عبارت اصلاح کردن، هدف از اصلاح را بهسازی مجرم یا دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه به گونه‌ای که فرد را به سوی پیروی از قواعد اولیه‌ی زندگی سوق دهد، عنوان می‌کند. او تأکید می‌کند که هدف از بازپروری مجرم، بهبود اخلاقی او نیست و صرف بازگشت به زندگی عادی کافی است. پس هدف اصلی از مجازات (زندان)، بهسازی و بازپذیرسازی اجتماعی مجرم است به گونه‌ای که مجدداً در خطا و خلاف سقوط نکند.^۱ همین رویکرد را می‌توان در مجموعه‌ی قواعد حداقل نحوه‌ی رفتار با زندانیان ملاحظه کرد. به طور کلی می‌توان گفت که فرد تحت برنامه یا برنامه‌های بازپروری، قبل از ارتکاب رفتار مجرمانه

۱. در بحث از اصلاح و درمان، بیشتر توجه به سمت اقلیتی از بزهکاران یا به عبارتی هسته‌ی مقاوم بزهکاران معطوف است؛ زیرا اکثریت بزهکاران، از بزهکاران اتفاقی یا بزهکاران بی‌گناه تشکیل می‌شوند که افرادی ضد اجتماعی و فاسد نیستند. اقلیت مورد نظر، حدود پنج و نیم تا شش درصد بزهکاران را شامل می‌شود. این درصد اندک؛ حدود پنجاه و پنج درصد جرایم را مرتکب می‌شوند. به این افراد، بزهکاران مزمن، بزهکاران به عادت، بزهکاران مکرر و بزهکاران مقاوم گفته می‌شود.

یا منحرفانه، شهروندی بوده که قابلیت لازم را برای زندگی سالم اجتماعی داشته است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۳)

بخش دوم: مبانی اسلامی و حقوقی اصلاح و بازپروری مجرمان

با نگاهی به گذشته و مطالعه در قانون نامه حمورابی (اولین تمدن حقوقی) و بررسی جرم ها و مجازات ها به شیوه های اجرای آن در ایران باستان، در می یابیم که مجازات ها منحصر به مجازات های سخت بدنی از جمله اعدام، قطع انگشتان، تازیانه و بوده است.^۱ بیش از دو سده پیش، با رویگردانی از مجازات های بدنی، «آزادی مجرم» می توانست مهمترین دارایی وی برای تاوان جرم ارتكابی وی باشد. از این پس، «زندان» (سلب آزادی) به عنوان بهترین راه حل برای سزادهی و تنبیه مجرم مورد توجه قرار گرفت. در حقوق جزای کلاسیک مجازات ها توسط قانونگذاران جهت تامین اهداف نظام عدالت کیفری انتخاب می شدند. همچنین قضات نیز با تعیین مجازات ها به دنبال محقق کردن اهداف آنها هستند. باید به این نکته توجه کرد که اهداف مجازات ها در راستای اهداف نظام عدالت کیفری است. اصلاح و بازپروری مجرمان از جمله رویکردها و سیاست های مهم مورد بحث جرم شناسان در یکی دو قرن اخیر است. مطالعه اندیشه های بشری حکایت از قدمت و دیرینگی ایده اصلاح مجرمان دارد، به گونه ای که در آرا فیلسوفان شهیر یونان مانند افلاطون و ارسطو و آنچه از جوامع باستان گزارش شده است، نیز این مهم دیده می شود. (کولمن و کاوینگتن، ۱۳۷۶، ۲۹-۲۷) البته رونق و رواج ایده اصلاح مجرمان در قرون اخیر بیشتر مدیون مکتب تحقیقی و عمدتاً جنبش دفاع اجتماعی نوین است. سیاست جنائی سازمان ملل متحد نیز تا حد زیادی متأثر از آرا بنیانگذاران این جنبش

۱. در اصل از نظر تاریخی، مقررات کیفری مانند قوانین حمورابی، اورنمو، هیتی ها، مقررات حقوق عبرانی و ... دارای جنبه سزا دهی بودند. چرا که بیشتر مجازات های مذکور در آن قوانین، ثابت، غیرانعطاف پذیر و فاقد حداقل و حداکثر بودند. در این قوانین، اصل سزا دادن، حاکم بود؛ فلذا فقط بعد سزا دهی کیفر مورد توجه واقع می شد و عنایتی به فردی کردن مجازات ها نداشتند.

است. مطالعه متون اسلامی نیز بیانگر آن است که اسلام به اصلاح مجرمان بیش از صرف بازسازی اجتماعی آنان نگریده و روش‌های خاص خود را برای این مهم عرضه داشته است (حاجی ده آبادی ۱۳۸۶، ۸۴) با بسط این سیاست، مخالفان که عموماً دیدگاه امنیتی به حقوق کیفری دارند، به انحاء مختلف سعی نمودند با انجام تحقیقات، ناکارآمدی سیاست اصلاح و درمان را به تصویر کشند و بر این اساس از سال ۱۹۷۴ به بعد، افرادی مانند «موریس کوسن» و «رابرت مارتینسون»، ملهم از یافته‌های تحقیقات خویش، با شعار «هیچ چیز موثر نیست»، صریحاً مدعی شکست سیاست اصلاح و درمان شدند. متعاقب این اظهارنظر، به تدریج با ورود مفهوم خطر و ریسک جرم^۱ به حوزه ی حقوق کیفری، مفسران اولیه ی آن از جمله «سیمون و فیلی» یک سیاست جنایی نوین که اصطلاحاً «کیفر شناسی نو، جرم شناسی نو و یا عدالت سنجشی و مدیریت ریسک جرم»^۲ لقب گرفت را رقم زده و خواستار کنار گذاردن برنامه‌های اصلاح و درمان شدند. ایشان آشکارا به رویکرد سنتی سرکوب جرم و

۱. مطابق این اصل، یک برنامه ی کارآمد اصلاح بزهکاران باید این ویژگی را داشته باشد که برای هر گروه از بزهکاران بر اساس خطر تکرار جرم توسط آن‌ها، برنامه ای متفاوت داشته باشد. مجرمانی که خطر تکرار جرم توسط آنها بیشتر است، ضرورت دارد که تحت برنامه های پیچیده تر و مفصل تری قرار گیرند در حالی که برای مجرمان دارای خطر کمتر تکرار جرم، برنامه های ساده تر کفایت می کند. و چه بسا در مورد مجرمان دارای خطر بسیار اندک تکرار جرم، نیاز به هیچگونه تدبیر خاصی نباشد. (صبوری پور و علاف، ۱۳۸۸: ۸۰)

۲. چنانکه گفته شد در اعمال اصل خطر در مورد مجرمان، شدیدترین برنامه ها باید برای افرادی که بیشترین ارتکاب جرائم خطرناک و یا اصرار بر جرم دارند، اجرا شود. به این ترتیب بلافاصله سوال مطرح می شود که ملاک تشخیص این خطر چیست و چگونه میتوان آن را برآورد کرد؟ گرچه امروزه در دنیا بدنبال روش هایی برای شناسائی این افراد به صورت قابل اعتماد هستند، اما دانسته های کنونی علوم روانشناسی و جرم شناسی به صورتی نیست که به طور قاطع، امکان تشخیص دقیق و قابل اعتماد این امر را فراهم کند که کدام یک از مجرمان مرتکب جرائم خطرناک و یا اصرار بر جرم خواهند شد. با توجه به اینکه اینگونه پیشگویی ها خطرهای واضحی در بر دارد، از این رو در مورد برچسب زدن به مجرمان به ویژه گروه هایی همچون مجرمان نوجوان باید با نهایت دقت و مسولیت پذیری عمل کرد زیرا چه بسا برچسبی که به عنوان مجرم خطرناک به این افراد زده میشود، باعث سوق یافتن آنها به سمت فعالیت مجرمانه شود.

مجازات بزهکاران در قرائتی نوین تحت عنوان «نظریه مجازاتهای استحقاقی» بازگشت نمودند و اظهار داشته اند که این سیاست به هیچ عنوان نتوانسته است نتایج و دستاوردهای قابل اعتنایی داشته باشد و کنار گذاشتن این سیاست را ضرورتی انکار ناپذیر معرفی نمودند. (مارتینسون، ۱۹۷۴: ۸۶-۸۰؛ موریس، ۱۹۷۴: ۵۳-۲۲؛ فوگل، ۱۹۷۵: ۸۷-۸۶)

بخش سوم: اهمیت و ضرورت موضوع اصلاح و بازپروری مجرمان

هنگامی که بزهی ارتکاب می‌یابد و مرتکب وارد فرآیند کیفری رسمی می‌شود، دگرگونی‌های عمده‌ای در سطوح مختلف روابط فردی و اجتماعی مرتکب حادث می‌شود و الزاماتی پیرامون این وضعیت جدید به وجود می‌آید که پاسخ‌دهی مطلوب به آن‌ها، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق در تمامی سطوح است. (نوریه، ۲۰۰۲: ۲۳) از جمله این الزامات، آن است که باید تدابیر مناسبی برای اصلاح بزهکاران و تمهید زمینه‌ای بازگشت آن‌ها به زندگی هنجارمند در جامعه اندیشیده شود. (زایرت، ۲۰۰۵: ۵۰) اقدام برای اصلاح مجرمان، از یک سو شخص بزهکار را منتفع می‌سازد؛ زیرا به وی این امکان را می‌دهد که مجدداً به عنوان شهروندی قانون‌مدار در جامعه حضور یابد و از فعالیت‌های قانون‌مدارانه‌ای که پی می‌گیرد، برخوردار شود و از سوی دیگر، منافع اجتماعی را تامین می‌کند؛ زیرا جامعه را در مقابل نابهنجاری‌ها و آسیب‌های بیشتری که فرد بزهکار می‌تواند برای آن ایجاد کند، مصون نگه می‌دارد. از این منظر، اصلاح بزهکار همچون کیمیایی است که وجود بزهکار را از فردی معارض هنجارهای اجتماعی، به عضوی از جامعه که هم‌نوا با الزامات زندگی اجتماعی و مقید به ارزشهای آن است، تبدیل می‌کند. (اسکینر، ۱۹۵۳: ۱۸۲-۹۳) اما همین که اقدامات اصلاحی موثر افتاد و او را از مسیر ارتکاب جرم خارج شد، دیگر باعث تضعیف نظام هنجاری نمی‌شود و خود، با انجام رفتارهای هنجارمند و منطبق با موازین اجتماعی، به تقویت و تحکیم آن کمک می‌کند. (کولین، ۲۰۰۴: ۱۴۸) در سال ۱۹۷۵ میلادی در حالی که شعار اصلاح و درمان

مجرمان، طرفداران بسیاری داشت، مارتینسون و گروه پژوهشی تحت مدیریت وی، اعلام کردند این سیاست، شکست خورده و عملاً هیچ دستاوردی به همراه نداشته است. در مقابل، بسیاری از جرم‌شناسان با رد این دیدگاه بر این عقیده هستند که سیاست اصلاح و درمان مجرمان همچنان بهترین راه حل برای برخورد با بزهکاران است. دلایل قابل ارائه در تایید نظر اخیر عبارتند از:

۱. علی‌رغم برخی ادعاها در خصوص شکست سیاست اصلاح و درمان هنوز اجماعی در این زمینه وجود ندارد. طرفداران سیاست اصلاح و درمان معتقدند که اگر این سیاست شکستی هم خورده است، یا بدلیل عدم سیاست‌گذاری و عدم سرمایه‌گذاری کافی دولت‌ها و یا بدلیل عدم تربیت نیروی کافی بوده است. سیاست اصلاح و درمان بیشتر روی کاغذ باقی مانده و به منصفه ظهور نرسیده است.
۲. اصلاح و درمان مجرمان به لوازم و زمینه‌های نیاز داشته که اولین آنها قوانین و مقررات مناسب است؛ حال آنکه آنچه تاکنون مورد اجرا قرار گرفته، در یک بستر سزاگرا و همراه با نگاه سزاجرایانه و نه نگاه بازپرورانه بوده است. برای اجرای این سیاست بستر مناسب فراهم نشده است و در همان بستر حقوق کیفری می‌خواستند آن را اجرا کنند؛ در واقع، همچنان سیاست‌های سزاجرای گذشته ادامه یافته و تنها نام «زندان» به «آموزشگاه» تغییر کرده است.
۳. سیاست اصلاح و درمانی که در جرم‌شناسی بالینی مطرح می‌شود، همزمان با تحولات فناورانه و دستاوردهای جدید علم بشر متحول نشده است، مثل این است که بخواهند سردرد را با آسپرین ۲۰ سال پیش، درمان کنند در حالی که روشهای درمانی جدیدی پدید آمده که کارایی آن به مراتب بهتر و بیشتر است.

۴. این که بنام سیاست اصلاح و درمان، مسلمات حقوق کیفری را زیر سوال برده اند و همین موجب شده است تا حقوق‌دانان جزمی در یک واکنش انقلابی برای نجات حقوق کیفری، ادعا کنند که سیاست اصلاح و درمان، حقوق کیفری از درون تهی کرده و قطعیت^۱ و شدت^۲ مجازاتها را زیر سوال برده و موجب افزایش جرایم شده است.

۵. ما در ایران نمی‌توانیم بگوییم سیاست اصلاح و درمان مجرمان شکست خورده است چرا که اساساً تا کنون این سیاست اجرا نشده است. آیین نامه سازمان زندانها، از زندان یک درمانگاه جرم ساخته و نویسندگان آیین نامه اجرایی در اجرای تکالیف مندرج در قانون اساسی، رسالت زندان را تحمل کیفر برای اصلاح و درمان تعبیر کرده اند. ولی در عمل به دلیل تورم جمعیت کیفری زندانها، کمبود بودجه و نبود فضای کافی، بسیاری از مقررات آیین نامه اجرایی سازمان زندانها اجرا نشده است.^۳ (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۳۹۶-۲۳۹۵)

از دیگر دلایل توجه به سیاست اصلاح و درمان، رویکرد حقوق بشری است. این سیاست، یک سیاست انسانی^۴ و حقوق بشری است، چرا که براساس مبانی حقوق بشر، دولتها ضمن

۱. Certainty

۲. Severity

۳. البته این مساله خاص ایران نیست. حتی در کشور انگلستان برای زندانی کردن مجرمان «مسافرخانه» اجاره کرده اند و حتی با تصویب قانون بسیاری از افراد را آزاد کرده اند تا مشکل جمعیت کیفری خود را حل کنند.

۴. اصلاح و تربیت، در عمل و با توجه به قید و بندهای سازمانی و منابع مادی محدود زندانها، تعارض میان نظام های اخلاقی (هنگامی که فردی مواجه با دوره های تربیتی اجباری ای میشود که از نظر فرد دیگر دارای نیت و مفهوم خیری است) و با در نظر گرفتن مسائل اخلاقی مربوط به تغییر موثر در رفتار که برای موفقیت امر اصلاح، ممکن است ضروری باشد، به صورت یک هدف بسیار با ارزش و رویایی در می آید. انتخاب معتدل تر، محدودتر و توأم با بلند پروازی های کمتر، ولی به لحاظ اخلاقی، قابل قبول تری که میتوان صورت داد، بازپروری است. اصلاح خود انگیزه (و نه به صورت ثابت و توأم با پیش زمینه اجتماعی) در میان مجرمان، در صورت تحقق، نتیجه افزایش سن و یا دگرگونی های آنی در اوضاع و احوال شخصی (مثل محرومیت) است. (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۲۴۵)

حق اعمال مجازات، موظف به رعایت کرامت انسانی هستند. در اسناد حقوق بشری که ایران نیز عضو آن است، در ارتباط با مجرمان به دولتها تاکید شده است که نظام زندانها به طور خاص و نظام کیفرها به طور کلی به گونه ای باشد که موجب اصلاح و بازگشت مجرمین به جامعه باشد. به عنوان مثال ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)، اصولاً موضوع چگونگی رفتار با افرادی که بنا به دلایلی از جمله کیفری آزادی آنها سلب شده است و محروم از آزادی هستند را پیش بینی کرده است.^۱ در این ماده بر تفکیک متهمان از محکومان، رفتار انسانی متناسب با وضعیت آنان و همچنین بر اجتماع پذیری و بازپروری محکومین، به ویژه اطفال بزه کار، تاکید شده است.^۲

بخش چهارم: قلمرو موضوعی سیاست اصلاح و بازپروری مجرمان

در نیمه ی اول قرن بیستم، به تدریج شاخه دومی از جرم شناسی کاربردی جدا شد که به طور خاص به اصلاح بزهکاران و پیشگیری از تکرار اختصاص یافت و در زبان تخصصی جرم شناسی بالینی نامیده شد. (ابراهیمی، ۱۹:۱۳۹۱) رویکرد سده بیستمی جرم شناسی، اگر چه دامنه

۱. لازم به یادآوری که در زندانها به عناوین متعددی نگهداری می شوند. این افراد عبارتند از: الف. متهمان ب. محکومین مالی (ماده دو نحوه اجرای محکومیت های مالی) ج. محکومین کیفری د. منتظرین اجرای احکام غیر از حبس (همچون اعدام) ه. کسانی در انتظار تصمیم قضایی و استرداد هستند و محکومین حبس بدل از جرمه (محکومین جرمه) ... از میان این عده تنها محکومین کیفری به حبس و در نهایت، متهمان مورد توجه سیاست اصلاح و درمان هستند و سایرین خارج از این دایره قرار دارند.

۲. ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶ میلادی)

۱-۱) تمام افرادی که آزادی آنها سلب می گردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

۱-۲) الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و می بایست مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند. ب- افراد جوان متهم از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.

۱-۳) نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح و بازپروری آنان باشد. جوانان بزه کار باید از بزرگسالان نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

و موضوعات مطالعاتی خود را نسبت به گذشته گسترش داد، لیکن همچنان با نگاه آسیب و علت شناختی به جرم و مجرم، با رویکرد بنیانگذاران جرم‌شناسی در سده نوزدهم وجه اشتراک داشت. این نظریه‌ها به طور کلی - و نه همه آنها - مجرم را فردی می‌دانستند که از آموزش و پرورش و نیز عاطفه و محبت کانون گرم خانواده و مدرسه محروم بوده و یا از نارسایی‌های ژنتیکی - زیستی - روانی رنج می‌برد و بنابراین با انسان‌های غیر مجرم تفاوت دارد، لذا با جبران آثار محرومیت‌های خانوادگی - عاطفی و شکست تحصیلی - اجتماعی و درمان نارسایی‌های پزشکی در چارچوب عدالت کیفری و نهادهای متولی اعمال کیفر، می‌توان آنان را نجات داد و به جامعه بازگرداند. حاصل این نگاه اصلاحا بالینی به جرم، مجرم و محیط شخصی و اجتماعی او، همان طور که می‌دانیم، تولد و گسترش دو جرم‌شناسی کاربردی بالینی و پیشگیری بود، که با گرده برداری علوم پزشکی، درمان (بازپروری) مجرمان و بهداشت اجتماعی (پیشگیری اجتماعی از جرم و انحراف) را رسالت خود قرار دادند.^۱ (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴)

اندیشه بازپروری بزهکاران برای نخستین بار با الهام از دانش پزشکی از سوی بنیانگذاران مکتب تحقیقی وارد گستره علوم جنایی شد. پایه گذاران این مکتب به ویژه سزار لمبروزو معتقد بودند که بزه کاری نوعی بیماری زیستی - سرشتی است که باید با بهره جستن از مجازات و ابرازهای بالینی - پزشکی زمینه‌های اصلاح و درمان شماری از بزهکاران از جمله

۱. طی دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی که به علت وقوع جنگ دوم جهانی با تاخیر در سال ۱۹۵۰ در پاریس برگزار شد، در کنار جرم‌شناسی نظری یا جرم‌شناسی عمومی، درباره مبانی و رسالت‌های جرم‌شناسی کاربردی در آن زمان، یعنی جرم‌شناسی بالینی نیز بحث و تبادل نظر صورت گرفت مساله مطالعه بزهکاران به منظور «اصلاح و درمان» آنان در دوران تحمل مجازات، موضوع مطالعات جرم‌شناسی از نوع اخیر قرار داده شد. بدین ترتیب قلمرو جرم‌شناسی، به مطالعه ماهیت و چگونگی اجرای انواع مختلف «واکنش اجتماعی» علیه جرم و کارکردهای بازپرورانه و اصلاحی آن نیز تسری داده شد. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۳۱)

مجرمان دیوانه را فراهم نمود. (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵) بتدریج تحت تاثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسانه برنامه‌های تربیت مدار، حرفه آموز و غیره در کنار برنامه‌های بالینی - پزشکی گنجانده شده اند تا از رهگذر آنها بازپروری بزهکاران شکل چند جانبه مورد توجه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار گیرد. (علومی، ۱۳۴۹: ۲۸۷) به دیگر سخن، برنامه‌های بازپرورانه نظام عدالت کیفری با توجه به پیشرفت دانش جرم‌شناسی، گرایش این شاخه به چندجانبه‌نگری در زمینه شناسایی عوامل جرم‌زا و ایجاد تعامل میان جرم‌شناسی و با دیگر رشته‌های علمی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی دچار تحول شده و استفاده از آنها روبه‌گسترش نهاده است. از این رو، شماری از اندیشمندان علوم جنایی برنامه‌ها و ارائه راه کارهای مناسب اصلاحی - تربیتی و اصلاحی - درمانی را برای باز اجتماعی کردن مجرمان پیشنهاد داده‌اند. بدین سان، در وهله نخست تغییر کارکرد زندان و تبدیل ماهیت برنامه‌های این مجازات به منظور دستیابی به هدف مذکور مورد توجه سیاستگذاران جنایی واقع شد.

سیاست اصلاح و درمان مجرمان، یک رویکرد انسانی است که متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی بالینی است و درمان مجرم، بازگشت وی به زندگی عادی و پیشگیری از ارتکاب مجدد توسط وی در آینده موضوعیت دارد. این سیاست از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت درمان قرار دادن او، سیاست طرد و حذف بزهکاران (همپتون، ۱۹۹۵: ۱۵۶-۱۰۱) را از جامعه کنار زده و در صدد است که تبیین نماید: «بزهکار یک بیمار است و نیازمند درمان می‌باشد و راه درمان نیز الگوی کیفر مدار نیست». (اسدن، ۱۹۹۳: ۳۳)

بخش پنجم: اصلاح مجرمان و بازپروری با استفاده از مجازات اصلاحی - تربیتی

غیر از زندان

ضرورت تعدیل جمعیت کیفری زندان‌ها و نیز موثر نبودن راهکار زندان نسبت به برخی مجرمان که از جایگاه اجتماعی بالاتر یا خطرناکی کمتری برخوردارند، ضرورت اتخاذ برخی

مجازات‌ها که بیشتر ماهیت اصلاحی دارند را ایجاب کرده است. از این نمونه اقدامات، تاسیسات حقوقی است. تاسیسات حقوقی، در عصر حاضر از بهترین روشها و راهکارهای اصلاح مجرمان است که باعث کاهش جمعیت کیفری و رفع مشکلات زندانها در قوانین مجازات می‌باشد و نمونه‌های آن آزادی مشروط، تعلیق مجازات، مجازاتهای جایگزین حبس و غیره است. در ایران، در قانون مجازات اسلامی جدید، قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به بعضی از تاسیسات نوین حقوق جزایی داشته که می‌توان از ویژگی‌های مثبت تصویب این قانون عنوان کرد که قطعاً "مواد عمومی این قانون نقشه راه و شیوه اجرایی صحیح و تاثیر گذار سایر مواد قانونی آن است. قانونگذار، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواردی از تاسیسات ارفاق آمیز را برای مرتکبین جرائم ذکر کرده است و بدین طریق خواسته در جهت کمک به مجرمین که برای اولین بار مرتکب جرم می‌شوند یا دارای شرایط خاص می‌باشند و از شخصیت و وضعیت خاصی برخوردارند در جهت پیشگیری و عدالت ترمیمی نسبت به آنها مساعدت نموده و از ارتکاب مجدد جرم آنها را باز دارند. در این راستا قانونگذار نوآوری‌هایی را در قانون جدید ذکر کرده و می‌توان گفت که این نوآوری‌ها سبب عدم تراکم جمعیت کیفری می‌شود، حال به بررسی این نوآوری‌های جدید می‌پردازیم:

اول) درجه بندی مجازات‌ها

یکی از مهمترین و بارزترین تحولات و رویکردهای نوین قانون جدید در خصوص درجه بندی مجازات‌هاست که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است و دارای ویژگی‌هایی می‌باشد و آن اینکه روشی برای تعیین مجازات برای جرایمی محسوب می‌گردد که حداقل آن در قانون مشخص نگردیده است، وقتی گفته می‌شود جرمی از جرایم تعزیری درجه پنج است دیگر حداقل و حداکثر آن با این ماده سنجیده و تعیین می‌گردد. درجه بندی مجازات‌ها که ابتدا در قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۸۹ صورت گرفته و

سپس در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است، درجه بندی مجازات‌ها در قانون فرانسه نیز وجود دارد اما به ترتیب دیگری است و معمولاً درجات بالاتر مجازات شدیدتر رایان می‌کند. به موجب ماده ۱۹، مجازات‌های تعزیری هفت نوع می‌باشد که عبارتند از حبس، جزای نقدی، مصادره اموال، انفصال دائم یا موقت از خدمات، شلاق، محرومیت از حقوق اجتماعی، انتشار حکم، و باید گفت مجازات‌های مذکور در این ماده، مجازات‌های اصلی است و ملاک تعیین درجه تعزیرات، حداکثر مجازات می‌باشد و اینکه ملاک تعیین درجه مجازات‌ها، مقدار قانونی آنهاست که در ماده ۱۹ آمده است، بنابراین تشدید یا تخفیف مجازات تاثیری در درجه مجازات ندارد. یکی از مشکلات مهمی که گریبانگیر دادگاه‌ها بود عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر بود. قانون جدید این مشکل را حل کرد و شدت مجازات بر اساس درجه تعیین می‌شود و اگر نتوان آن را تعیین کرد، مجازات حبس شدیدتر از شلاق و جزای نقدی و مجازات‌های دیگر می‌باشد.

دوم) تعویق صدور حکم

تعویق به معنای به تاخیر انداختن چیزی است، تعویق صدور حکم، یعنی دادگاه صدور حکم را به تاخیر می‌اندازد، قانونگذار تعریف خاصی از آن ارائه نداده است بلکه تصمیم دادگاه را چنین توصیف کرده «صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد» البته شرطی هم دارد که مجرمیت مرتکب احراز گردیده و ثابت شود نیازی به اعمال مجازات نیست. خاستگاه اولیه نهاد «تعویق صدور حکم» را باید در کامن لاء جستجو کرد، در انگلیس قبل از آنکه قانون آزمایشی قضائی مجرمان نوجوان در سال ۱۸۸۷ به تصویب برسد رویه قضات، آن بود که چنانچه در ادله اثبات جرم، تردیدی وجود داشت یا متهم به دنبال فرصتی می‌گشت تا رضایت پادشاه را به دست آورد، قراری برای تاخیر در صدور حکم صادر می‌کردند. همچنین نهادی با عنوان آزادی همراه با تعهد وجود داشت که قاضی از متهم تعهد

می‌گرفت تا پس از آزادی رفتار نیکو داشته باشد و او را آزاد می‌کرد. هدف اصلی این نهاد کمک به متهمان بود تا فرصتی برای اجتماعی شدن پیدا کنند و ابتدا در سال ۱۸۲۰ در دادگاه‌های انگلیس برای مجرمان نوجوان اعمال می‌شد و سپس در سال ۱۸۴۱ برای تمامی مجرمان ابتدا در ایالت ماساچوست و به دنبال آن در بقیه ایالتها به اجرا در آمد و سرانجام قانون آزمایشی قضائی در سال ۱۸۷۸ به تصویب رسید.

سوم) تعلیق اجرای مجازات

قانونگذار در فصل ششم قانون جدید مجازات اسلامی بحث تعلیق اجرای مجازات را عنوان نموده است که در ماده ۴۶ قانون شرایط و موضوعات آن بیان شده است. تعلیق اجرای مجازات عبارت است از تعویق و معلق کردن اجرای مجازات محکوم، به ارتکاب جرائم تعزیری درجه سه تا هشت که دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید و فایده اجرای صحیح و دقیق آن به عنوان وسیله و ابزاری است که زمینه جلوگیری از تکرار جرم را در نزد بعضی از مجرمین اتفاقی فراهم می‌نماید و به حرفه و اصلاح و تربیت محکوم علیه می‌انجامد و عملاً فرصتی به محکوم علیه اعطا می‌گردد تا با خودداری از ارتکاب جرم در مدتی که دادگاه در حکم تعلیق که یک تا ۵ سال می‌باشد بتواند اعمال و رفتار خوبی را انجام دهد و توانایی‌های خود در زمینه اشتغال به کار و رشد و توسعه مهارت‌های زندگی بهبود بخشیده و از آثار آن بهره مند شود و اثر مثبت دیگر آن نرفتن محکوم علیه به زندان است که عملاً از آثار سوء زندان که ناشی از مصاحبت و معاشرت با بعضی از مجرمان حرفه ای است جلوگیری می‌شود.

چهارم) نظام نیمه آزادی

در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ذکر شده است. نظام نیمه آزادی یکی از راه‌های فردی کردن مجازات هاست که در قانون مجازات اسلامی قبلی سابقه نداشت. این نظام

به پیروی از قانون جزای فرانسه در قانون جدید پیش بینی شده است. آنچه که در این مواد آمده شکل خاصی از نظام نیمه زندانی است و نیمه آزادی با نیمه زندانی تفاوت دارد. نیمه زندانی یعنی این که محکوم علیه در زمان حبس به فعالیت شغلی و حرفه ای می‌پردازد و آخر هفته به زندان می‌رود اما نیمه زندانی آن است که محکوم مدتی را در زندان سپری کرده و چنانچه رفتار مناسبی داشته باشد می‌تواند در برخی روزها به فعالیت شغلی بپردازد. شرط مهمی که در نظام نیمه آزادی و نیمه زندانی وجود دارد حضور زندانی در روزهای آخر هفته در زندان است اما قانون مجازات اشاره ای به این شرط ندارد. نظام نیمه آزادی مخصوص کسانی است که جزای نقدی در آنان تاثیری ندارد و مجازات حبس نیز برای آنها مضر می‌باشد این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرایم خفیف یا غیر عمدی می‌شوند و چند روز محرومیت از آزادی موجب تنبه آنان می‌شود. این شیوه موجب کاهش هزینه‌های دولت نیز می‌شود اما انتقادهایی هم نسبت به آن وجود دارد از جمله این که حبس‌های کوتاه مدت تاثیر منفی بر محکومان دارد. حسن این نظام در آن است که مجازات حبس در ایام تعطیل اجرا می‌شود زیرا زمانی که مجرم باید تفریح و استراحت کند مجازات می‌شود و در زمان‌های مقید یعنی ایام غیر تعطیل برای جامعه کار می‌کند. اما این ویژگی در قانون ما پیش بینی نشده است.

پنجم) آزادی مشروط

قانونگذار برای نخستین بار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی جدید در انتهای بحث و بیان مقررات مربوط به نظام آزادی مشروط با رعایت مقررات تعویق مراقبتی با استفاده از سامانه الکترونیکی را پیش بینی نموده است. ماهیت نظارت سامانه الکترونیکی را باید گفت همان ماهیت مجازات‌های جایگزین حبس است و از ظاهر قانون چنین استنباط می‌شود که اعمال این تدابیر یا دستورهای نیازی به رضایت محکوم ندارد و اعمال این ماده (۶۲) منوط به حضور متهم

می‌باشد و حکم غیابی امکان ندارد. نکته قابل توجه اینکه قانون آیین دادرسی کیفری در بند «چ» ماده ۲۱۷ که بحث قرارهای تامین کیفری را مطرح میکند موضوع نظارت با تجهیزات الکترونیکی را مطرح کرده و مطرح شدن این موضوع در دو قانون نشان دهنده رویکرد قانونگذار از مجازات حبس و سرکوب گرانه به سمت مجازات هایی که جایگزین و باعث عدم تراکم جمعیت کیفری بوده، می‌باشد و باید گفت این تحول خوبی است.

ششم) مجازات‌های جایگزین حبس

عنوان مجازات‌های جایگزین حبس که برای نخستین بار در قانون جدید مجازات مطرح شده را باید یکی از تحولات و رویکردهای نوین این قانون دانست و وسیله ای که می‌تواند علاوه بر تدابیری که قانونگذار برای متوقف ساختن مجازات به طور مشروط از طریق نهاد تعلیق مجازات و آزادی مشروط در قانون به منظور هماهنگ کردن قوانین جزایی با انتظارات عمومی مردم جامعه است که در طول زمان تغییر یافته است. قانونگذار تعریفی از مجازات‌های جایگزین حبس ارائه نکرده بلکه پنج مصداق را به عنوان مجازات‌های جایگزین معرفی می‌کند که عبارتند از:

دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی.

مجازات‌های اجتماعی نوعی جدیدی از مجازات‌هاست که بدلیل ناموفق بودن زندان در رسالت خود، قرار است که با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال گردد، فلذا باید گفت که مجازات‌های جایگزین حبس اقدام مناسبی بوده و دست مقام قضائی برای اعمال تخفیف و کمک و مساعدت به مجرم باز است.

مجازات‌های جایگزین یا جانشین، عمدتاً شامل ممنوعیت و ضبط می‌شود. سازوکاری که بر اساس آن، اینگونه مجازات‌ها، تبدیل مجازات‌های تبعی و تکمیلی موجود در قانون مجازات

به مجازات‌های اصلی بود. کیفرهای جایگزین عمدتاً نسبت به جرایمی اعمال می‌شود که جرم شناسی آلمان، آن را جرایم شوالیه یا جرایم سلحشورانه می‌نامد و به هیچ وجه منجر به حبس قطعی نمی‌شود، (مثلاً تخلفات راهنمایی و رانندگی، صدور چکهای بلا محل و رانندگی در حالت مستی). (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۴۹:۱۳۹۰) دو نوع جدید کیفر جایگزین نیز در پاره ای نظام‌های کیفری پیش بینی شده است: ۱) روزهای جریمه دار (روزهای جزایی یا جریمه روزانه) که از نظام کیفری کشورهای اسکاندیناوی الهام گرفته شده است و نحوه اجرای کیفر نقدی را با شرایط مالی و اقتصادی محکوم علیه منطبق می‌کند؛ ۲) کارها و خدمات عمومی و عام المنفعه و عمومی بدون حقوق که می‌توان آنها را جزو اقدامات مشابه پروبیشن (نوعی تعلیق مراقبتی) تلقی کرد. (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۴۹:۱۳۹۰) اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق تاسیسات حقوقی نوین با عناوین مشابه هم در سیستم اصلاحی ایران مشاهده می‌شود. همانطور که اشاره شد با بهره‌گیری از تحولات بنیادین حقوق جزای کشورهای مترقی در حوزه اصلاح و درمان و با تناسب با فقه پویایی اسلامی به ایجاد این تاسیسات حقوقی در قالب آزادی مشروط، تعلیق مجازات، مجازاتهای جایگزین حبس و غیره در حوزه مجازاتهای تعزیری اقدام شده که در عین اینکه با یافته‌های علمی روز حقوق جزای کلاسیک منطبق اند، با ضوابط فقهی نظام حقوقی ایران نیز متناسب بوده و در تضاد با شرایط فرهنگی اجتماعی و باورهای بومی جامعه هم نیستند.

نتیجه گیری

نهایتاً و در جمع بندی پایانی این پژوهش باید گفت در ایران، در حوزه مقررات و برنامه‌های نظری اصلاح و درمان مجرمان از طریق مجازات، قانون مجازات اسلامی جدید، با بهره‌گیری از فقه پویایی اسلامی به ایجاد مجازاتهای گسترده تری در حوزه مجازاتهای تعزیری اقدام شده که در عین اینکه با یافته‌های علمی روز حقوق جزای کلاسیک و حقوق اسلامی منطبق اند، با

ضوابط فقهی نظام حقوقی ایران نیز متناسب بوده و در تضاد با شرایط فرهنگی اجتماعی و باورهای بومی جامعه هم نیستند. همچنین در ایران، مجازات زندان در راستای اصلاح و درمان مجرم تاثیرگذار می‌باشد. از همین رو توجه به راهبردهای اصلاح و درمانی در این محیط از اهمیت برخوردار است. اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق تدابیری ضمن مجازات حبس بر تفکیک و ایجاد مراکز نگهداری برای بزرگسالان و نوجوانان و زنان تاکید نموده است، اجرای برنامه‌های بازپروری فرهنگی، حرفه‌ای و پزشکی جزء در مقررات راهبردی آیین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی دیده می‌شود. در ایران مسئول اداره زندان و بازداشتگاه‌ها با سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی است. هرچند که در ایران به دلیل عدم بستر سازی مناسب و امکانات ناکافی، مقررات متعدد برنامه‌های اصلاح و بازپروری آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در عمل، اجرایی نشده است. اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق تاسیسات حقوقی نوین با عناوین مشابه هم در سیستم اصلاحی ایران مشاهده می‌شود، در ایران در قانون مجازات اسلامی جدید، همانطور که اشاره شد با بهره‌گیری از تحولات بنیادین حقوق جزای کشورهای مرفعی در حوزه اصلاح و درمان و با تناسب با فقه اسلامی پویایی اسلامی به ایجاد این تاسیسات حقوقی در قالب آزادی مشروط، تعلیق مجازات، مجازاتهای جایگزین حبس و غیره در حوزه مجازاتهای تعزیری اقدام شده که در عین اینکه با یافته‌های علمی روز حقوق جزای کلاسیک منطبق اند، با ضوابط فقهی نظام حقوقی ایران نیز متناسب بوده و در تضاد با شرایط فرهنگی اجتماعی و باورهای بومی جامعه هم نیستند. در زمینه اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق روش‌های غیر کیفری هم در سیستم اصلاحی ایران مقررات و راهبردهای مشاهده می‌شود، در ایران مقرراتی در خصوص مددکاری اجتماعی در زندان وجود دارد، در زمینه تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و بازپروری معتادین به مواد مخدر نیز مقرراتی وجود دارد که این وظیفه را به ترتیب برعهده سازمان بهزیستی و وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده است، همچنین ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز مسئولیت درمان بازپروری و تمهیدات پس از آزادی معتادین را برعهده دارد. هرچند در حوزه اجرا معمولاً با نواقصی همراه است و نیاز به برنامه ریزی و پیگیری‌های بیشتری دارد. نفی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در سیستم اصلاحی ایران دارای مقررات خاصی است، و متفاوت از برخورد کیفری با بزرگسالان می‌باشد. همچنین باید اذعان داشت در ایران مقرراتی در خصوص مددکاری اجتماعی در زندان وجود دارد، در زمینه تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و بازپروری معتادین به مواد مخدر نیز مقرراتی وجود دارد که این وظیفه را به ترتیب برعهده سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده است، همچنین ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز مسئولیت درمان بازپروری و تمهیدات پس از آزادی معتادین را برعهده دارد. هرچند در حوزه اجرا معمولاً با نواقصی همراه است و نیاز به برنامه ریزی و پیگیری‌های بیشتری دارد.

در پایان باید گفت روشهای مختلفی برای بازسازی و بازپروری بزه کاران وجود دارد که اگر هر یک از این روشها به صورت علمی و اصولی اجرا شوند باعث تسهیل شکوفائی استعدادهای مددجویان، تقویت عزت نفس، تقویت و رشد اخلاقی، معنوی و مذهبی مددجویان و همچنین آماده سازی روانی به منظور تعامل و ارتباط متقابل با جامعه برای ورودی سعادتمندانه به جامعه میشوند. هر جامعه ای براساس ویژگیهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی برای حمایت از ارزشهای خاص، ضمانت اجرای کیفری تعیین میکند، مسلم است که در جوامع سنتی هدف از مجازات سزادهی مجرم و ارباب دیگران بوده است، اما امروزه اصلاح مجرم و اجتماعی مجدد وی، مهم ترین هدف می‌باشد.

منابع و مأخذ

- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۵.
- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، ج ۲.
- انصاری، خواجه عبدالله، کشف الاسرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، ۱۳۷۷.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- احدی، حسن و محسنی، نیک چهر، روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی، چاپ نهم، انتشارات پردیس، ۱۳۸۰.
- ایراهمن، دیوید، روان شناسی کیفری، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۱.
- بولک، برنار، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، مجد، چ چهارم، ۱۳۸۴.
- برن، آگ و دیگران، زمینه جامعه شناسی، اقتباس امیر حسین آریان پور، چاپ دهم، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶.
- تفسیر الامام ابی محمد الحسن ابن علی العسگری، تحقیق السید علی آشور، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۱۲ ه ق.
- حبیب زاده، محمد جعفر، «آسیب شناسی نژاد عدالت کیفری ایران»، علوم اجتماعی و انسانی، ش ۴۱، ۱۳۸۳.
- شکری، رضا و قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم عمومی، تهران، مهاجر، ۱۳۸۱.

- شهید اول، اللمه الدمشقیه، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۴ق.
- فتوحی بهنسی، احمد، العقوبه فی الفقه الاسلامی، دار الرائد العربی، بیروت، چاپ ۲، ۱۹۸۳.
- قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۲.
- کلارکسون، سی.ام.وی، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میر محمد صادقی، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
- کولمن، کاوینگتن، روان شناسی ناهنجار و زندگی نوین، مترجم کیانوش هاشمیان، انتشارات دانشگاه الزهراء، چاپ اول.
- محمدی، داود، مجازاته‌های جایگزین، تهران، عود، ۱۳۸۴.
- مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، میزان، ۱۳۷۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندانها: تحول مستمر مقررات اجرایی»، دیباچه در بولک، برنار، کیفر شناسی، ویراست پنجم، میزان، ۱۳۸۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار»، دیباچه در عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران، انتشارات مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «زندان: درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟»، دیباچه در بولک، برنار، کیفر شناسی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- نیازپور، امیر حسن، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.

- نیازپور، امیرحسن، «کارکرد بازپرورانه کیفی‌های جامعه مدار؛ با تاکید بر لایحه قضایی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره ششم، ۱۳۸۷.
- ولیدی، محمد صالح، «نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفرزندان»، دادرسی، ش ۲۴ (بهمن و اسفند ۱۳۷۹)، ۶-۹.

